

مقدمه

شادکامی یکی از شاخص‌های مهم بهداشت روانی در جامعه است. شادکامی به‌همراه نگرش مثبت و امیدوارانه به آینده، سرمنشأ تحرک، تلاش و پویایی است (هزار جریبی و صفری شالی، ۱۳۸۹). از دیدگاه روان‌شناسان، دو نوع شادکامی وجود دارد: نوعی از آن از رهگذر شرایط محسوس زندگی، همچون زناشویی، تحصیل، شغل، آسایش، و به‌طور کلی، امکانات مالی و رفاهی حاصل می‌شود، که به آن وجه عینی شادکامی می‌گویند؛ نوع دیگر آن، متأثر از حالات درونی و ادراکات شخصی است که از آن به شادکامی ذهنی یا احساس شادکامی تعبیر می‌شود (خسروی و دیگران، ۱۳۸۸).

جامع‌ترین و در عین حال عملیاتی‌ترین تعریف شادکامی را وینهورن ارائه می‌دهد. به نظر او، شادکامی به قضاوت فرد از درجه یا میزان مطلوبیت کیفیت کل زندگی‌اش اطلاق می‌شود. به‌عبارت دیگر، شادکامی به این معناست که فرد چقدر زندگی خود را دوست دارد (میرشاه‌جعفری و دیگران، ۱۳۸۴).

نگاه دین به شادکامی، نگاهی هدفمند است. بر اساس آیات و روایات، شادکامی برای خدا ارزش دارد. در سایه چنین شادی حقیقی و ماندگار است که بشر به سعادت و خوشبختی می‌رسد؛ چراکه شادکامی واقعی در نزدیک شدن به هدف والای آفرینش و آراسته شدن به خصلت‌های انسانی و الهی است (علوی و رنجبر شورآبادی، ۱۳۸۹).

برخی از نظریه‌پردازان، رسیدن به شادکامی و خوشبختی روان‌شناختی را در پرتو توجه به ارزش‌ها و هدف‌های معنوی، نیازهای بنیادی، معنادار بودن و هدفمندی زندگی، و عشق و علائق دینی والا می‌دانند (حیدری رفعت و عنایتی نوین‌فر، ۱۳۸۹) رفتارهایی مانند عبادت، زیارت و توکل به خداوند می‌توانند از طریق ایجاد امید و تشویق به نگرش‌های مثبت، موجب آرامش درونی افراد شوند. داشتن معنا در زندگی، امیدواری به یاری خداوند در شرایط مشکل‌زا، بهره‌مندی از حمایت اجتماعی و معنوی، و احساس تعلق به منبعی والا، همگی از جمله روش‌هایی هستند که افراد مذهبی با بهره‌مندی از آنها می‌توانند در برخورد با حوادث آسیب‌رسان، فشار کمتری را متحمل شوند (Yang and Mao, 2007, v. 44, p. 999- 1010). بنابراین، شادکامی از اجزای متعددی، از جمله شناختی و معنوی تشکیل شده است (موسوی و دیگران، ۱۳۸۹) که در پژوهش حاضر نقش جهت‌گیری مذهبی و مرکز کنترل، در قالب تدوین الگوی شادکامی بررسی می‌شود.

جهت‌گیری مذهبی و مرکز کنترل بیرونی، ارائه الگوی شادکامی در دانش آموزان

نرگس شفیعی* / فاطمه شهابی‌زاده** / هادی پورشافعی***

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش جهت‌گیری مذهبی و مرکز کنترل بیرونی در ارائه الگوی شادکامی است. پانصد دانش‌آموز با روش چندمرحله‌ای از بین مدارس مقطع متوسطه شهرستان خوسف در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۹۱، مقیاس‌های جهت‌گیری مذهبی، مرکز کنترل بیرونی و شادکامی را تکمیل کردند و برای تحلیل نتایج، از روش تحلیل عاملی و تحلیل مسیر بهره گرفته شد. نتایج نشان داد، تنها جهت‌گیری بیرونی مذهبی به‌طور غیرمستقیم از طریق افزایش مرکز کنترل بیرونی، موجب کاهش شادی در زندگی می‌شود و به‌طور مستقیم کاهش‌دهنده شادی در روابط اجتماعی است. بنابراین، نه‌تنها بررسی نقش جهت‌گیری مذهبی بیرونی در ادراک شادکامی مهم می‌باشد، بلکه مرکز کنترل، تبیین‌کننده نقش جهت‌گیری مذهبی بر شادکامی است.

کلیدواژه‌ها: جهت‌گیری مذهبی، مرکز کنترل بیرونی، شادکامی.

در یک شخص دارای مذهب درونی، عقاید محکم شخصی محوریت و اهمیت دارد؛ در حالی که جنبه‌های اجتماعی مذهب اهمیت ندارد؛ اما برای افراد دارای مذهب بیرونی، انگیزه‌های مذهبی بودن و به ارزش‌ها و عقاید بیرونی یا اجتماعی اهمیت دارد. آلپورت، مذهب بیرونی را مذهبی نابالغ یا کمتررسش‌یافته نسبت به مذهب درونی توصیف می‌کند (آزموده و دیگران، ۱۳۸۹). به عبارت دیگر، جهت‌گیری مذهبی درونی، به همه نگرش‌ها و اعتقادات فرد که مرتبط با مذهب است و در اندیشه فرد ریشه دوانیده، اطلاق می‌شود؛ اما جهت‌گیری مذهبی بیرونی، به رفتارهای عینی، واقعی و قابل اندازه‌گیری فرد اطلاق می‌گردد که نشئت‌گرفته از اعتقادات مذهبی است (ر.ک: علایی، ۱۳۸۲). نتایج پژوهش کازروسکی نشان داد، زمانی که عقاید مذهبی در سطح بالایی قرار دارد، شادکامی نیز افزایش می‌یابد (Aghili and Kumar, 2008, v. 34, p. 66). هالمان، هون و دمور (Halman, Heunk, Demoor, 1978, v. 25, P. 91- 102) گزارش دادند فعالیت‌های مذهبی، با احساس آرامش و شادمانی تداعی می‌شود. مایرز معتقد است که ایمان مذهبی، بر میزان شادی بسیار تأثیر دارد (Mysers, 2000, v. 55, p. 56- 67).

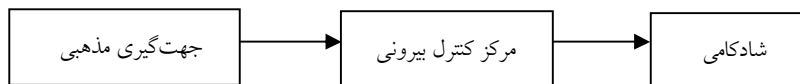
حیدری رفعت و عنایتی نوین‌فر (۱۳۸۹) در پژوهش خود نشان دادند که بین نگرش دینی و شادکامی دانشجویان، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد؛ اما بین دانشجویان دختر و پسر در نگرش دینی و شادکامی، تفاوت معناداری وجود ندارد. گلزاری (۱۳۸۹) نیز شرکت در حج عمره دانشجویی را باعث افزایش شادکامی و کاهش اختلال در سلامت روانی، اضطراب و افسردگی معرفی کرده است. صحرائیان و همکارانش (۱۳۹۰) نیز دریافتند که افزون بر رابطه معنادار بین شادکامی و نگرش مذهبی، سن نیز رابطه‌ای معنادار با شادکامی و نگرش مذهبی دارد. در پژوهش‌های یادشده، تمیزی بین نگرش‌های مذهبی و اهداف رفتارهای مذهبی صورت نگرفته بود؛ زیرا اگر جنبه روتین پیدا کند، ممکن است اثربخشی خود را از دست بدهد؛ اما در پژوهش آزموده و همکارانش (۱۳۸۹) نشان داده شد، افراد دارای جهت‌گیری مذهب درونی بیش از افراد دارای جهت‌گیری مذهب بیرونی، از سرسختی و شادکامی برخوردارند.

اگرچه مطالعات متعددی، از جمله پژوهش‌های مالتبی و همکاران (Maltby et al, 1999, v. 4, p. 363- 378) فرانیس و همکاران (Francis et al, 2000, v. 19, p.157- 254)، مایرز، حیدری رفعت و عنایتی‌فر (۱۳۸۹)، کاظمیان و مهربابی‌زاده هنرمند (۱۳۸۸)، صحرائیان و همکاران (۱۳۹۰) و گلزاری (۱۳۸۹)، ارتباط مثبت بین شادکامی و اعتقادات مذهبی را نشان داده‌اند، اما آنها تنها از روش

همبستگی مرتبه صفر استفاده کرده و نقش تبیین‌کنندگی مؤلفه شناختی را در روابط یادشده بررسی نکرده‌اند. از سویی، شرک و سیلورمن (Shrauger, Silverman, 1971, v. 10, p. 11- 16)، اسپیلکا و همکاران (۲۰۰۳)، نیز در پژوهش‌های خود، مذهب را جزء عوامل تأثیرگذار بر منبع کنترل به شمار آوردند. تالبورن (Thalbourne, 2007, v. 17, p. 333- 336) نیز نشان داد که باورهای مذهبی، توسط متغیرهای روان‌شناختی، قابل پیش‌بینی است. از سوی دیگر، کوشکی و خلیلی‌فر (۱۳۸۹) در پژوهش خود نشان دادند که بین نگرش مذهبی با منبع کنترل بیرونی، رابطه‌ای معنادار و معکوس وجود دارد و نقش نگرش مذهبی ۱۰/۸ درصد از تغییرات منبع کنترل را تبیین می‌کند. به هر حال، افراد با جهت‌گیری مذهبی درونی، به عقاید مذهبی بیشتر پایبندند و دین و مذهب در تمام جنبه‌های زندگی‌شان آشکار است؛ اما افراد دارای مذهب بیرونی، مذهب را وسیله‌ای برای کسب مقام و موقعیت برتر، امنیت و موقعیت اجتماعی می‌دانند (Molafet et al, 2010, v. 9, p. 63- 69). مالتوک و سوسان (۲۰۰۴)؛ برقی و علیپور (۱۳۸۸) و صالحی و همکارانش (۱۳۸۶) نیز به ارتباط معنادار و مستقیم عملکرد و باورهای مذهبی با سلامت روان و منبع کنترل دست یافتند. بنابراین، این پرسش مطرح می‌شود که آیا جهت‌گیری و ارزش‌های مذهبی، به‌طور مستقیم یا از طریق مرکز کنترل، موجب شادی می‌شود؟ از این رو، پژوهش حاضر نقش تبیین‌کنندگی مؤلفه شناختی مرکز کنترل بیرونی در چگونگی اثرگذاری جهت‌گیری مذهبی بیرونی بر شادکامی، در قالب الگوی مفهومی بررسی می‌کند.

با توجه به نتایج پژوهش‌های یادشده در زمینه رابطه دوه‌دو بین متغیرهای هر یک از جهت‌گیری مذهبی و مرکز کنترل بر شادکامی، پژوهشگر بر آن شد با در نظر گرفتن مبانی نظری، الگوی مفهومی همچون شکل ۱ را مورد آزمون قرار دهد. مسئله اصلی پژوهش کنونی این است که آیا جهت‌گیری مذهبی به‌طور غیرمستقیم از طریق اثرگذاری بر مرکز کنترل، در پیش‌بینی شادکامی نقش دارد و آیا در قالب الگوی شکل ۱ برازش کافی دارد؟

شکل ۱: الگوی شادکامی در ارتباط با نقش جهت‌گیری مذهبی و مرکز کنترل بیرونی



روش

طرح پژوهش حاضر، از نوع همبستگی و غیرآزمایشی است که در آن از روش تحلیل مسیر بهره گرفته شده است. جامعه آماری، کلیه دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان خوسف تشکیل داده‌اند. طبق

جدول مورگان، ابزارها با احتمال ریزش پنج درصدی به‌صورت نمونه‌برداری چندمرحله‌ای در بین پانصد دانش‌آموز چهار دبیرستان در چهار پایه توزیع شد. از این تعداد، شصت پاسخ‌نامه به دلیل مخدوش و یا ناقص بودن، از تحقیق خارج شد و نمونه‌نهایی را ۴۴۰ دانش‌آموز با میانگین سنی ۱۶/۳۷ سال و ۲۲۲ پسر، برابر ۵۰/۵٪ و ۲۱۸ دختر، برابر ۴۹/۵٪ تشکیل دادند. در نمونه پژوهش، ۹/۹٪ پدران دانش‌آموزان تحصیلات دیپلم، ۸۰/۹٪ تحصیلات زیردیپلم، و ۷/۸٪ تحصیلات دانشگاهی داشتند. همچنین ۹/۹٪ مادران دانش‌آموزان تحصیلات دیپلم، ۹۰/۳٪ تحصیلات زیردیپلم، و ۳/۳٪ تحصیلات دانشگاهی داشتند. برای بررسی اعتبار ابزارها، از آلفای کرونباخ، و روایی سازه از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد.

ابزارهای پژوهش

۱. مقیاس شادکامی آکسفورد (OHI)

آرجیل در سال ۱۹۹۰ با معکوس کردن مقیاس آزمون افسردگی بک، را این پرسش‌نامه ساخته است. این آزمون شامل مقیاس ۲۹ ماده‌ای است که بر اساس ۴ گروه تشکیل شده است و آزمودنی، بر طبق وضعیت فعلی‌اش یکی از چهار گزینه را برمی‌گزیند. افرادی که پایین‌ترین نمره را کسب کرده‌اند، شادکامی پایین، و افرادی که نمره بالایی را در آزمون به دست آورده‌اند، شادکامی بالایی دارند. همچنین برای تعیین پایایی این آزمون، آرجیل و لو ضریب آلفای ۰/۹۰، فارنهام و بروژنتیک ضریب آلفای ۰/۷۸ و نوربالا کرونباخ ۰/۸۴ را به دست آورد. علی‌پور و نوربالا نیز آلفای کرونباخ ۰/۹۳ را به دست آوردند (منگلی میدوک، ۱۳۸۹، ص ۷۹).

برای بررسی روایی مقیاس شادکامی در پژوهش حاضر، بعد از بررسی شاخص کفایت نمونه‌برداری (۰/۹۳) و معناداری آزمون بارتلت، از تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش ابلیمین استفاده شد که ساختار ساده‌دو عاملی به دست آمد؛ یک عامل، گویه‌های مربوط به احساس شادی شخصی در زندگی بدون در نظر گرفتن نقش روابط اجتماعی، و عامل دیگر نیز گویه‌هایی با محتوای احساس شادی در روابط با دوستان و دیگران را دربرداشت. با توجه به محتوای مجزای گویه‌های بارگذاری شده در دو عامل و نیز حذف گویه‌های با محتوای احساس شادی در روابط با دیگران (هفت گویه) به منظور رسیدن به ساختار ساده‌یک‌عاملی، از حذف آنها صرف‌نظر شد و نقش دو عامل استخراج‌شده شادی در زندگی و احساس شادی در روابط اجتماعی که می‌توانست

به‌ترتیب ۸/۷۰ و ۴۲/۱۲ درصد را تبیین کند و اطلاعات بیشتری در الگوی شادی به دست دهد، به‌طور جداگانه در تحلیل نتایج بررسی شد.

لازم به ذکر است از تحلیل عاملی تأییدی نیز استفاده شد و شاخص‌های برازندگی GFI، NFI، CFI، IFI و NNFI نیز به‌ترتیب ۱، ۰/۹۹، ۰/۹۸، ۰/۹۹ و ۰/۹۹ به دست آمد که بیان‌کننده برازندگی قابل قبول مدل با داده‌ها و برخورداری از روایی سازه است. در بررسی پایایی مقیاس یادشده، آلفای کرونباخ در خرده‌مقیاس شادی در زندگی ۰/۹۰، و در روابط اجتماعی ۰/۸۱ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مناسب مقیاس است.

توجه: NFI نماد شاخص برازندگی نرمال، NNFI نماد شاخص برازندگی نرمال‌نشده، CFI شاخص برازندگی مقایسه، GFI شاخص برازندگی، و IFI شاخص برازندگی افزایشی است.

۲. مقیاس جهت‌گیری مذهبی آلپورت

آلپورت و راس در سال ۱۹۵۰ این مقیاس را برای سنجش جهت‌گیری‌های درونی و بیرونی مذهب تهیه کردند. در مطالعات اولیه‌ای که بر این مبنا صورت گرفت، مشاهده شد که همبستگی جهت‌گیری بیرونی با درونی ۰/۲۱ است (عسکری، ۱۳۹۱، ص ۸۱). این پرسش‌نامه مشتمل بر ۲۱ پرسش چهارگزینه‌ای است که میزان جهت‌گیری مذهبی افراد را می‌سنجد. گزینه‌های کاملاً مخالفم و تقریباً مخالفم، گزینه‌های منفی و تقریباً موافقم و کاملاً موافقم، گزینه‌های مثبت این پرسش‌نامه‌اند. در این مقیاس، گزینه‌های عبارات ۱۲-۱ که جهت‌گیری مذهبی بیرونی را می‌سنجد، از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق‌اند و در ۹ ماده بعدی، یعنی شماره‌های ۲۱-۱۳ که جهت‌گیری مذهبی درونی را اندازه می‌گیرند، پاسخ برعکس است. این مقیاس، بر مبنای نمره‌گذاری لیکرت می‌باشد. جان‌بزرگی اعتبار این مقیاس را در یک گروه نمونه ۲۳۵ نفری از دانشجویان دانشگاه‌های تهران با اعتبار ۰/۷۳ بر اساس آلفای کرونباخ گزارش کرده است (حجی‌پور، ۱۳۹۰، ص ۵۶۹). برای بررسی روایی در پژوهش حاضر، از تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش ابلیمین استفاده شد و ساختار ساده‌دو عاملی به دست آمد که می‌توانست به‌ترتیب ۱۴/۰۲ و ۲۸/۰۶ از واریانس جهت‌گیری مذهبی را بیان کند. در بررسی پایایی مقیاس یادشده، آلفای کرونباخ جهت‌گیری مذهبی بیرونی ۰/۷۱، و جهت‌گیری درونی ۰/۶۲ به دست آمد.

۳. مقیاس مرکز کنترل راتر (Rutter)

این پرسش‌نامه ۲۹ پرسش برای سنجش انتظارات و ادراک فرد درباره منبع کنترل دارد. هر ماده، دو

جدول 1: ماتریس همبستگی بین جهت‌گیری مذهبی، مرکز کنترل و شادی و شاخص‌های توصیفی

متغیرها	1	2	3	4	5
1. جهت‌گیری درونی مذهبی	1				
2. جهت‌گیری بیرونی مذهبی	**0/31	1			
3. مرکز کنترل بیرونی	-0/1	**0/16	1		
4. شادی در روابط اجتماعی	0/076	0/05	-0/01	1	
5. شادی در زندگی	0/073	0/03	**0/13	**0/62	1
میانگین (انحراف استاندارد)	2/91 (0/56)	2/28 (0/69)	1/44 (0/53)	2/65 (0/63)	2/58 (0/7)

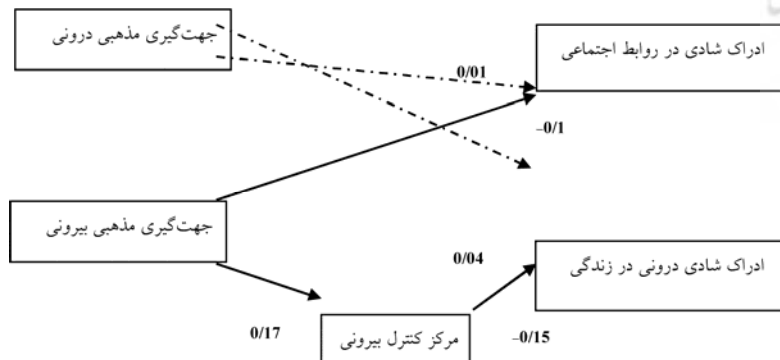
* همبستگی در سطح معناداری 0/01

** همبستگی در سطح معناداری 0/05

نمودار مسیر در شکل (1) نشان داده شده است؛ چون شاخص‌های برازندگی تطبیقی و شاخص برازندگی نرمال، به ترتیب برابر 1 و 0/99 است (همان). شاخص روایی مقاطع نیز 0/70 و در فاصله اطمینان قرار گرفت که بیانگر تقریب معقولی در جامعه است. افزون بر این، ریشه دوم واریانس خطای تقریب (RMSEA) 0/001 (کمتر از 0/06)، در فاصله اطمینان قرار گرفت (هومن، 1389). البته مقدار مجذور کای نیز در سطح 0/05 ($p = 0/51$) غیرمعنادار شد که می‌توان استنباط کرد مدل با داده‌ها برازش خوبی دارد. شاخص‌های برازش در جدول 1 مشاهده می‌شود.

جدول 1: شاخص‌های برازشی مدل شادی بر پایه جهت‌گیری مذهبی و مرکز کنترل

ECVI	RMSEA	IFI	AGFI	CFI	NNFI	NFI	GFI
(0/071 و 0/089)	(0/0053 و 0/026)						
0/07	0/001	1	0/99	1	0/99	0/99	1



$$(p = 0/51, df = 4, x^2 = 3/24)$$

شکل 1: ضرایب استاندارد الگوی مسیر شادکامی در ارتباط با نقش مرکز کنترل بیرونی و جهت‌گیری مذهبی

جمله انتخابی دارد و از 29 ماده، شش ماده به صورت خنثی است که منظور از آزمون را برای آزمودنی پوشیده نگه می‌دارد. 23 ماده کلیدی در این آزمون، عقاید و باورهای فرد را درباره ماهیت و طبیعت جهان اندازه می‌گیرد. دامنه نمرات مقیاس، از صفر تا 23 متغیر است. نمره بالا در این مقیاس، بیانگر منبع کنترل بیرونی، و نمره پایین بیانگر منبع کنترل درونی است (رک: مصباحی، 1390). فرانکلین روی نمرات صد دانش‌آموز دبیرستانی تحلیل عاملی انجام داد و دریافت که همه پرسش‌ها، همبستگی معناداری با کل آزمون دارند. متوسط ضریب پایایی با روش تصنیف و کودر - ریچاردسون در بسیاری از پژوهش‌ها 0/70 بوده است. پژوهشگرانی چون بیابانگرد و موفق، این مقیاس را از لحاظ روایی محتوایی ارزیابی کرده و اساتید دانشگاه تهران اعتبار محتوایی آن را تأیید نموده‌اند. همچنین و موفق روایی را با استفاده از روایی ملاک همزمان، یعنی مقیاس کنترل درونی و بیرونی نوریکی - استریکلندر 0/39 به دست آورده است (مصباحی، 1390، ص 84). برای بررسی روایی در پژوهش حاضر، از تحلیل مؤلفه‌های اصلی استفاده شد و ساختار ساده یک‌عاملی به دست آمد که 38/22 درصد از واریانس مرکز کنترل بیرونی را تبیین کند. در بررسی پایایی خرده‌مقیاس مرکز کنترل بیرونی 0/51 به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مناسب مقیاس است.

یافته‌ها

به منظور بررسی الگوی مفهومی چگونگی رابطه بین متغیرهای پژوهشی، از تحلیل مسیر استفاده شد. برآورد پارامترهای الگو، از طریق روش بیشینه احتمال به دست آمد که در شکل 1 نشان داده شده است. در این شکل، شاخص‌های جهت‌گیری بیرونی مذهبی، مرکز کنترل و شادکامی در تحلیل مسیر قرار داده و مفروضه‌های مدل مطالعه و بررسی شد. طبق گفته هومن (1389)، اگر تعداد طبقه‌های رتبه‌ای، 5 یا بیشتر باشد، احتمالاً می‌توان با آنها (البته با کمی خطا) مانند داده‌های فاصله‌ای رفتار کرد (شهابی‌زاده و مظاهری، 1391). همچنین به گونه کلی، یک‌سان نبودن پراکندگی رگرسیون‌های چندمتغیری، مدل‌های لیزرل را ناروا نمی‌سازد؛ بلکه آنها را ضعیف می‌کند، و در نهایت بنا بر نظر بسیاری از صاحب‌نظران، از جمله آشر، همبستگی‌های کمتر از 0/8 بین متغیرهای برون‌زا نشان‌دهنده فقدان هم‌خطی بودن چندگانه است و نتایج حاصل از ضرایب همبستگی بین متغیرهای مورد مطالعه در جدول 1 بیانگر تأیید مفروضه یادشده است (هومن، 1389). لازم به ذکر است، جدول 1، شاخص میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

همان‌گونه که شکل ۱ نشان می‌دهد، جهت‌گیری درونی مذهبی، در هیچ‌یک از متغیرهای شادی و مرکز کنترل نقش معناداری نشان نداد. از این‌رو، در الگوی مسیر مجدد، متغیر جهت‌گیری مذهبی درونی از مدل حذف و پارامترها دوباره برآورد شد. نتایج نشان داد شاخص‌های برازندگی تطبیقی، نرمال و تعدیل یافته الگوی قبلی که برازش خوبی نشان می‌داد و بیش از ۰/۹ بود، تغییر نکرد؛ اما شاخص روایی متقاطع به ۰/۰۵۱ کاهش یافت و در فاصله اطمینان (۰/۰۶۵ و ۰/۰۵۱) قرار گرفت که بیانگر تقریب معقول و مناسب‌تر از مدل قبلی در جامعه است. البته مقدار مجذور کای ($df = 2, \chi^2 = 1/31$) نیز در سطح ۰/۰۵ ($p = 0/52$) غیرمعنادار شد که می‌توان استنباط کرد مدل با داده‌ها برازش خوبی دارد. در تحلیل مسیر با حذف جهت‌گیری درونی، مسیر جهت‌گیری بیرونی مذهبی تنها به‌طور غیرمستقیم از طریق افزایش مرکز کنترل بیرونی $\beta = 0/17$ ، $P < 0/05$ کاهش‌دهنده شادکامی در زندگی است (۰/۰۳). گفتنی است، جهت‌گیری بیرونی مذهبی به‌طور مستقیم نیز کاهش‌دهنده شادکامی در روابط اجتماعی به دست آمد ($P < 0/05, \beta = -0/09$). نکته قابل توجه، عدم معناداری مسیر بین جهت‌گیری بیرونی مذهبی و شادکامی در زندگی است که حاکی از فرایند تبیین‌کنندگی مرکز کنترل در نقش جهت‌گیری مذهبی در پیش‌بینی شادکامی است. به عبارتی، جهت‌گیری بیرونی مذهبی به‌طور مستقیم بر کاهش شادکامی در زندگی تأثیر نمی‌گذارد؛ بلکه از طریق تأثیرگذاری بر افزایش مرکز کنترل بیرونی، در جهت کاهش شادکامی در زندگی پیش می‌رود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی جهت‌گیری مذهبی در پیش‌بینی شادکامی با توجه به نقش مرکز کنترل بوده است. همان‌گونه که الگوی مسیر نشان داد، جهت‌گیری بیرونی مذهبی به‌طور غیرمستقیم از طریق افزایش مرکز کنترل بیرونی، کاهش‌دهنده شادی در زندگی است؛ و از سویی، به‌طور مستقیم کاهش‌دهنده شادی در روابط اجتماعی است. بنابراین، جهت‌گیری بیرونی مذهبی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، از طریق تأثیر بر افزایش مرکز کنترل بیرونی، باعث کاهش شادی می‌شود. بنابراین، به نظر می‌رسد شادی در روابط اجتماعی، بیش از شادی در زندگی، تحت تأثیر آسیب ناشی از جهت‌گیری مذهب بیرونی است؛ اما شادی در زندگی، نسبت به شادی در روابط اجتماعی، بسته به باورهای شناختی مرکز کنترل بیرونی، ناشی از جهت‌گیری مذهبی است.

تالبورن بیان کرد که اعتقاد به خدا به انسان قدرت می‌دهد. به همین دلیل، پیروان بسیاری از ادیان احساس می‌کنند در برابر مشکلات تنها نیستند و خدا یار و یاور آنهاست. به عبارت دیگر، پیروان این ادیان، مشکلات خود را به کمک کنترل با وساطت خدا حل می‌کنند (Thalbourne, 2007, v. 17, p. 333-336). شاید ظاهر امر این‌گونه باشد که این گروه از انسان‌ها گرایش بیرونی دارند؛ ولی چنین نیست. آنها معتقد نیستند خدا مشکلاتشان را حل می‌کند؛ بلکه معتقدند حمایت و پشتیبانی خدا به آنها نیرو می‌دهد تا به اهدافشان برسند. این نوع باورها به انسان کنترل درونی می‌دهد (Schieman, et al, 2005, v. 27, p. 165-196). افرادی که از کنترل درونی برخوردارند، ارتباط میان رفتارها و پیامدهای آن را درک می‌کنند و باور دارند که می‌توانند بر محیط خود تأثیر بگذارند. در مقابل، افرادی که بین عمل خود و پیامدهای آن ارتباط نمی‌بینند، از کنترل بیرونی برخوردارند و بر این باورند که تلاش بیشتر ضرورت ندارد؛ زیرا از حوزه کنترل آنها خارج است (شهرآرای و سلیمان‌نژاد، ۱۳۸۰). کنترل درونی، متغیری شناختی است که با خشنودی همراه است؛ ضمن اینکه پیش‌بینی‌کننده شادی نیز شناخته شده است (مرادی و دیگران، ۱۳۸۴). به هر حال، افراد با منبع کنترل درونی، سالم‌ترند و سازگاری روان‌شناختی بهتری دارند و موفقیت‌های بیشتری در زندگی کسب می‌کنند (Imholt, 2009). در این راستا، پرسمن (Perssman, 1990, v. 147, p. 60-75) نیز نشان داد افرادی که باورهای مذهبی قوی داشتند، زودتر از دیگران درمان شدند. این نتیجه بیانگر تأثیر مثبت عملکرد مذهبی بر منبع کنترل است. بنابراین، مذهب منبعی برای تفسیر مثبت وقایع و ارزیابی شناختی و منبع کنترل محیط است. به بیان دیگر، مذهب به مثابه منبع غنی معنا و هدف، کنترل درونی را به ارمغان می‌آورد.

در مجموع، با توجه به نظریه دل‌بستگی به خدا (Kirkpatrick & Shaver and, 1990, v. 29, p. 315-334)، به نظر می‌رسد افراد با جهت‌گیری مذهبی بیرونی، به خدا اعتماد ندارند و حمایت او را ادراک نمی‌کنند؛ از این‌رو، در محیط احساس ایمنی نمی‌کنند و افزون بر اینکه به اکتشاف محیطی نمی‌پردازند (Proctor, et al, 2009)، مسئولیت اعمال خود را نمی‌پذیرند؛ در نتیجه، حوادث زندگی خود را به عوامل بیرونی همچون شانس، سرنوشت و قدرت دیگران نسبت می‌دهند و از زندگی احساس رضایت نمی‌کنند بنابراین، همان‌گونه که الگوی مسیر نشان داد، احساس شادی در زندگی آنها کاهش می‌یابد. اگرچه اعتقاد به خدا و اجرای دستورالعمل‌های دینی، افراد را به باور می‌رساند که خدا یار و یاور آنهاست و در برابر مشکلات تنها نیستند، اما چون ارزش‌های مذهبی در افراد دارای جهت‌گیری مذهبی بیرونی، درونی نشده است، عدم باور درونی به رفتارهای مذهبی در زمینه کاهش باور درونی به کنترل

غیرمذهبی به کار می‌برند (عسکری، ۱۳۹۱، ص ۹۳)، در زمان شرکت در آیین‌ها و مراسم دینی، به‌دنبال کسب مقام و موقعیت اجتماعی و اهداف شخصی خویش هستند و چون از سلامت روانی، عزت نفس و مسئولیت‌پذیری ضعیفی برخوردارند، در محیط‌های اجتماعی و مذهبی، از روابط اجتماعی و حمایت‌های کمتری نیز بهره‌مند می‌شوند و ممکن است اضطراب و نگرانی بیشتری را تجربه کنند و در نتیجه، موجب کاهش احساس نوع‌دوستی، رضایت و خشنودی در روابط اجتماعی می‌شود. در مجموع، به نظر می‌رسد مذهبی بودن بیرونی از طریق کنترل شناختی ضعیف، کاهش شادی زندگی و به‌طور مستقیم کاهش شادی در روابط اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند که نشان‌دهنده اهمیت ارزش‌های درونی در ارتقای روابط اجتماعی است.

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش پیشنهاد می‌شود، در پژوهش‌های آینده، نقش مؤلفه عاطفی، از جمله نوع‌دوستی و حمایت اجتماعی، و نقش آنها به‌عنوان متغیرهای میانجی و یا تعدیل‌کننده، بررسی شود. به دست‌اندرکاران و مسئولان خدمات بهداشتی درمانی پیشنهاد می‌شود با توجه به تأثیر انکارناپذیر مذهب بر شادکامی، از راهبردهای مذهبی به‌گونه‌ای شایسته در برنامه‌ریزی‌های بهداشت روانی و کسب شادکامی از طریق ارتقای راهبردهای شناختی و کنترل درونی استفاده کنند. از روان‌درمانگران نیز انتظار می‌رود از اعتقادات و باورهای افراد برای کمک به آنها استفاده کرده، باورهای مذهبی و دینی افراد را تقویت نمایند.

اوضاع و شرایط نیز تعمیم شناختی می‌یابد و در نتیجه، فرد مسائل و رویدادها را به عوامل بیرونی و شانس و تصادف نسبت داده، احساس رضایت و شادی را کاهش می‌دهد. به عبارتی، چون جهت‌گیری مذهبی بیرونی با عدم احساس ایمنی به خدا همراه است، پایه ایمن جهت‌گشای و مقابله با مشکلات و مسائل وجود ندارد (Beck, 2006, v. 34, p. 125-132)، در نتیجه، در شرایط اضطراب و عدم احساس اعتماد به خدا، احساس کنترل و پناهگاه مطمئن داشتن کاهش می‌یابد و موجب عدم احساس شادی در زندگی می‌شود. به عبارتی، به نظر می‌رسد پیامد جهت‌گیری بیرونی مذهبی، همان کارکردهای ضعیف پایه ایمنی و پناهگاه مطمئن دل‌بستگی ناایمن به خدا باشد (Kirkpatrick, Shaver, 1990, p. 315-334) که به دلیل احساس ناایمنی و کاهش اعتماد و توکل به خدا؛ از احساس کنترل وی کاسته می‌شود و در نتیجه، به دلیل عدم اکتشاف و مقابله با مشکلات، احساس رضایت و شادی کاهش می‌یابد؛ چراکه همخوان با پژوهش‌های متعددی، از جمله براندون، فائلی، فارز، فیتز، برقی و علیپور، صالحی و همکاران، احساس کنترل درونی، شادی زندگی را دربردارد (خسروی و آقاجانی، ۱۳۸۲).

در مجموع، رفتارهایی همچون توکل به خداوند، زیارت و عبادت شخصی و درونی می‌تواند از طریق ایجاد امید و تشویق به نگرش‌های مثبت، موجب آرامش درونی افراد شود و شادکامی بیشتری را در زندگی ایجاد کند. باور به وجود خدایی که موقعیت‌ها را کنترل می‌کند و بر عبادت‌کنندگان ناظر است، تا اندازه‌ی زیادی اضطراب مرتبط با موقعیت را کاهش می‌دهد. چنین افرادی معتقدند که می‌توانند از طریق اتکا و توسل به خداوند، اثر موقعیت‌های کنترل‌ناشدنی را به طریقی کنترل کنند (برقی و همکاران، ۱۳۸۸)؛ اما افرادی که از احساس کنترل فردی قوی برخوردار نیستند (بیرونی‌ها)، تحت شرایط فشارآور زندگی بیشتر فرسوده می‌شوند و شادی کمتری را نیز تجربه می‌کنند. براندون معتقد است که با افزایش سطح افسردگی، کنترل بیرونی افراد بیشتر می‌شود.

از سوی دیگر، افراد با جهت‌گیری بیرونی مذهبی که حوادث و مشکلات را به سرنوشت نسبت می‌دهند، در زمان قرار گرفتن در موقعیت‌هایی که به شکست‌های مکرر می‌انجامد، چون کنترلی بر موقعیت ندارند، احساس درماندگی را می‌آموزند و از زندگی کمتر لذت می‌برند و احتمال ابتلا به افسردگی در آنها بیشتر است (همان)؛ از این‌رو، این افراد در زندگی از احساس شادی درونی کمتری بهره‌مند می‌شوند؛ به عبارتی، لازمه احساس شادی در زندگی، کنترل شناختی محیطی است.

از سوی دیگر، مسیر جهت‌گیری بیرونی مذهبی با کاهش احساس شادی در روابط اجتماعی نیز معنادار شد. به عبارتی، افراد مذهبی با گرایش بیرونی، که دین را به منزله ابزاری برای رسیدن به مقاصد

منابع

- آزموده، پیمان و دیگران، «رابطه بین جهت‌گیری مذهبی با سرسختی و شادکامی دانشجویان» (۱۳۸۹)، *روان‌شناسی*، ش ۱، ص ۷۴-۶۱.
- برقی، زیبا و احمد علیپور، «بررسی رابطه سلامت روان با باورهای مذهبی، منبع کنترل و خوش‌بینی استادان دانشگاه» (۱۳۸۸)، *معرفت در دانشگاه اسلامی*، ش ۳، ص ۱۴۸-۱۷۰.
- حجی‌پور، صغری (۱۳۹۰)، *رابطه بین دنیاگرایی و جهت‌گیری مذهبی با سلامت روان در حجاج خراسان جنوبی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه آزاد بیرجند.
- حیدری رفعت، ابودر و علی عنایتی نوین‌فر، «رابطه بین نگرش دینی و شادکامی در بین دانشجویان» (۱۳۸۹)، *روان‌شناسی و دین*، ش ۴، ص ۶۱-۷۲.
- خسروی، زهره و مریم آقاجانی، «بررسی رابطه بین سلامت روان، منبع کنترل و شیوه‌های مقابله‌ای دانش‌آموزان دختر متوسطه شهر تهران» (۱۳۸۲)، *مطالعات زنان*، ش ۱، ص ۱۹-۵۴.
- خسروی، صدراله و دیگران، «بررسی عوامل مؤثر بر شادکامی دانشجویان فیروزآباد» (۱۳۸۸)، *رشد مشاور مدرسه*، ش ۲۱، ص ۷۱-۷۰.
- شهابی‌زاده، فاطمه و محمدعلی مظاهری، «دل‌بستگی ادراک‌شده دوران کودکی، کنش‌وری خانواده و مقابله مذهبی» (۱۳۹۱)، *روان‌شناسان ایران*، ش ۳۱، ص ۲۲۱-۲۳۴.
- شهرآرای، مهرانز و اکبرسلیمان نژاد، «ارتباط منبع کنترل و خودتنظیمی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان» (۱۳۸۰)، *روان‌شناسی و علوم تربیتی*، سال سی و یکم، ش ۲، ص ۱۷۵-۱۹۸.
- صالحی، لیلی و دیگران، «رابطه بین اعتقادهای مذهبی و منبع کنترل با سلامت روان در دانشجویان» (۱۳۸۶)، *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین*، ش ۱، ص ۱-۶.
- صحرائیان، علی و دیگران، «رابطه نگرش مذهبی و شادکامی در دانشجویان پزشکی» (۱۳۹۰)، *فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی گناباد*، ش ۱، ص ۶۹-۷۵.
- عسکری، مارال (۱۳۹۱)، *ساختارهای زیستی شخصیت و بررسی فعالیت سیستم‌های مغزی رفتاری، دل‌بستگی و جهت‌گیری مذهبی در دختران فراری و عادی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه آزاد.
- علایی، لیلی (۱۳۸۲)، *مقایسه جهت‌گیری‌های مذهبی و میزان تنش در مادران کودکان عادی و کم‌توان ذهنی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه آزاد بیرجند.
- علوی، حمیدرضا و زهرا رنجبر شورآبادی، «تأثیر دیانت بر شادی دانش‌آموزان» (۱۳۸۹)، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ش ۷، ص ۴۹-۵۹.
- کاظمیان مقدم، کبری و مهناز مهربانی‌زاده، «بررسی رابطه نگرش مذهبی با شادکامی و سلامت روانی دانشجویان» (۱۳۸۸)، *روان‌شناسی و دین*، ش ۴، ص ۱۵۷-۴۴.
- کوشکی، شیرین و مهدی خلیلی‌فر، «نگرش مذهبی و منبع کنترل» (۱۳۸۹)، *اندیشه و رفتار*، ش ۱۵، ص ۳۳-۴۰.
- گلزاری، محمود، «تأثیر عمره مفرده بر سلامت روان، شادکامی و عمل به باورهای دینی دانشجویان» (۱۳۸۹)، *مطالعات اسلام و*
- روان‌شناسی*، سال چهارم، ش ۷، ص ۱۱۱-۱۲۶.
- مرادی، مریم و دیگران، «شادمانی و شخصیت» (۱۳۸۴)، *تازه‌های علوم شناختی*، سال هفتم، ش ۲، ص ۶۰-۷۱.
- مصباحی، علی (۱۳۹۰)، *بررسی رابطه باورهای هوشی، منبع کنترل و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه آزاد بیرجند.
- منگلی میدوک، عباس (۱۳۸۹)، *تأثیر آموزش سبک مقابله مذهبی و مسئله مدار بر افزایش شادکامی والدین استثنایی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه آزاد بیرجند.
- موسوی، سیده افروز و دیگران، «اثر بخشی آموزش مهارت‌های خود نظم بخشی بر شادکامی دانش‌آموزان دختر اول دبیرستانی» (۱۳۸۹)، *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ش ۴، ص ۱۰۳-۱۲۰.
- میرشاه‌جعفری، ابراهیم و دیگران، «شادمانی و عوامل مؤثر بر آن» (۱۳۸۴)، *تازه‌های علوم شناختی*، سال چهارم، ش ۳، ص ۵۰-۵۸.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۸۹)، *مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل*، تهران، سمت.
- هزارجریبی، جعفر و رضا صفری شالی، «بررسی مفهوم شادکامی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن» (۱۳۸۹)، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ش ۳، ص ۳۲-۷۲.
- Aghili, M. Kumar, G.V, (2008), "Relationship Between Religious Attitude and Happiness among Professional Employees", *Journal of the Indian Academy of Applied Psychology*, V 34, p. 66- 69.
- B. Laura, et al, "Differentiated styles of attachment to God and varying religious coping efforts", *Journal of Psychology and Theology*. Jun 22.
- Beck, Richard, (2006), "God as a secure base: attachment to God and theological exploration", *Journal of Psychology and Theology*, Vo 1, 34, No. 2, p. 125- 132.
- Brandon L., (1991), "Rwlathonships between physical activity and heath-promoting behaviors in mid-life women", *Journal Adv Nurs*, p. 253.
- Cooper, Laura B., Bruce, A. Jerry., Harman, Marsha J., & Boccaccini, Marcus T. , "Differentiated styles of attachment to God and varying religious coping efforts", *Journal of Psychology and Theology*, 2009, Jun 22.
- Francis, L. ,(2000), "Religiosity and Happiness;During Adolescence, Yaung Adulthood and Later Life", *Journal of Psychology and Christisity*, V 19, p:157-254.
- Halman, L. Heunk, F. Demoor, R, (1978), "A study into the values of the Dutch in a European context", *Personality and individual differences*, V 25,p: 91- 102.
- Imholt RD.The impact of adolescent expatriate participation in experiential education on locus of control[Dissertation]. Cypress, California: University of Touro; 2009.
- Kirkpatrick, L. A., & Shaver and P. R. , (1990), "Attachment theory and religion: Childhood attachments, religious beliefs and conversions", *Journal for the Scientific Study of Religion*, 29, p:315- 334.
- Maltby, J. et al,(1999), "Religious Orientation and Psychological Well- being", *British Journal of Health Psychology*, V 4, p. 363- 378.
- Matlock, H., Susan G. , "Perceived Relationship with God as Predictor of Attitudes Towards Seeking Mental Health Services", A Dissertation to the Texas A & M University, for the degree of Doctor, 2004.
- Maureen.Miner, & Bagher. Ghobary Bonab, " Attachment to God in Christian and Muslim Communities: Foundational for Human Flourishing? ", *The Global Spiral, A Publication of Metanexus Institute*. <http://www.metanexus.net/>
- Miner, Maureen. & Ghobary Bonab, Bagher. , " Attachment to God in Christian and Muslim Communities: Foundational for Human Flourishing? " *The Global Spiral, A Publication of Metanexus Institute*, 2009.

<http://www.metanexus.net/>

Moltafet, G. et al, (2010) "Personality traits, religious orientation and happiness", *Procedia Social and Behavior Sciences*, v 9, p. 63- 69.

Mysers, D. , (2000), "The friends, funds, and faith of happy people", *American psychology*, 55, p:56- 67.

Perssman H.A, (1990), " Religious Belief Depression and Ambulation Status in elderly Women With Broken Hips" *Am J Psychiatry*, v 147, p. 60- 75.

Proctor, et al, " Exploring Christians' Explicit Attachment to God Representations: the Development of a Template for Assessing Attachment to God Experiences", *Journal of Psychology and Theology*, 2009, Dec 22.

Schieman ,S. et al , (2005), " The Sense of divine control and the Self-Concept", *Research on Aging* , v 27, p. 165- 196.

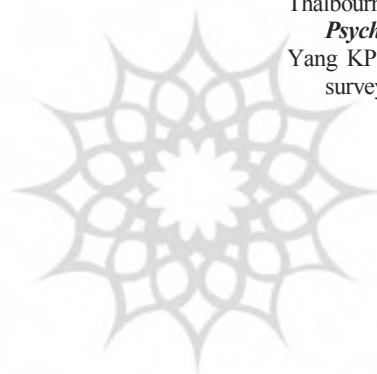
Shrauger, J. S, & Silverman, R. E. ,(1971), " The relation of religious background journal for the scientific study and participation to Locus of control", *Religion*, v 10, p. 11- 16.

Spilka, B. , et al, "The psychology of religion (3rd ed)". NY; Guilford press, 2003.

T. Marie, et al, " Exploring Christians' Explicit Attachment to God Representations: the Development of a Template for Assessing Attachment to God Experiences", *Journal of Psychology and Theology*. Dec 22.

Thalbourne, M. A. ,(2007), " Potential psychology predictors of religiosity", *International Journal for Psychology of Religion*, v 17, p. 333- 336.

Yang KP, Mao XY. (2007), A study of nurses, spiritual intelligence: A Cross sectional questionnaire survey. *Intl J Nurs Stud*, v 44, p. 999- 1010.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی